



اندیشکده فرهنگ و توسعه

یادداشت



نویسنده: جنی تنیسون

منبع انتشار: کتابخانه ملی داده‌ها و منافع عمومی انگلیس

تاریخ انتشار: مارچ ۲۰۲۵

مبادله منصفانه برای دسترسی به داده‌های عمومی چیست؟



برنامه دولت بریتانیا برای ایجاد یک کتابخانه ملی داده (NDL) برای هر کسی که به نحوی جمع‌آوری، استفاده و اشتراک‌گذاری داده‌ها توسط دولت اهمیت می‌دهد، بسیار جالب توجه است، حتی در حالی که جزئیات آن هنوز نامشخص است. یکی از بخش‌های این برنامه که برای جنی تنیسون جالب است، این است که چگونه به این سؤال پاسخ خواهند داد که شرکت‌های خصوصی در ازای دسترسی به داده‌های عمومی باید چه چیزی ارائه دهند. او در این پست، خلاصه‌ی سیاستی جدید خود درباره‌ی این موضوع «تبادل عادلانه» را شرح می‌دهد.

چشم‌انداز کتابخانه ملی داده

با مطالعه‌ی اسناد دولت و گفت‌وگو با افراد درباره‌ی کتابخانه ملی داده (NDL)، مشخص است که دیدگاه‌های متنوعی درباره‌ی هدف بنیادین آن وجود دارد. مانیفست حزب کارگر (۲۰۲۴) هم به خدمات عمومی داده‌محور و هم به پژوهش در راستای منافع عمومی اشاره می‌کند. برنامه‌ی اقدام فرصت‌های هوش مصنوعی (۲۰۲۵) بر حمایت از نوآوری از طریق در دسترس قرار دادن مجموعه‌داده‌های عمومی پرتأثیر برای بخش خصوصی تمرکز دارد. سند طرحی برای یک دولت دیجیتال مدرن (۲۰۲۵) هم به تسهیل استفاده‌ی مجدد از داده در سراسر بخش عمومی و هم به باز کردن داده‌ها برای اشخاص ثالث به‌منظور تسریع نوآوری مبتنی بر هوش مصنوعی و افزایش رشد اقتصادی اشاره می‌کند.

این اهداف در سه دسته‌ی کلی جای می‌گیرند که همگی در گزارش اخیر مؤسسه‌ی تونی بلر با عنوان «حکمرانی در عصر هوش مصنوعی: ساختن کتابخانه ملی داده بریتانیا» نیز بازتاب یافته‌اند:

- ارائه‌ی خدمات عمومی داده‌محور از طریق ساخت زیرساخت داده‌ی عمومی که این خدمات بر آن استوارند.
- توانمندسازی پژوهشگران و آمارگران در پژوهش و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد.
- حمایت از توسعه‌ی هوش مصنوعی از طریق ارائه‌ی مجموعه‌داده‌های آموزشی بزرگ.

چه NDL همه‌ی این اهداف را دنبال کند یا فقط یکی از آن‌ها را، در هر صورت لازم خواهد بود که به این مسئله بپردازد که چگونه داده را با سازمان‌های بخش خصوصی به اشتراک بگذارد. این موضوع زمانی آشکارتر است که داده‌های عمومی برای حمایت از توسعه‌ی هوش مصنوعی استفاده می‌شوند - کاری که عمدتاً در بخش خصوصی انجام می‌شود - اما همچنین در مورد پژوهش‌های تجاری نیز صدق می‌کند، مانند استفاده‌ی شرکت‌های دارویی از داده‌های سلامت، و نیز زمانی که ارائه‌دهندگان شخص ثالث از خدمات عمومی پشتیبانی می‌کنند، همان‌طور که در چشم‌انداز «دولت به‌مثابه پلتفرم» در سال ۲۰۱۵ مطرح شده بود.

دلایل خوبی برای اشتراک‌گذاری داده‌های عمومی با بخش خصوصی وجود دارد. بخش عمومی به‌تنهایی نمی‌تواند از داده‌هایی که در اختیار دارد به‌طور کامل بهره‌برداری کند. این کار برای دولت نیز جذاب است، هم از این جهت که دسترسی بخش خصوصی می‌تواند به نوآوری و رشد اقتصادی منجر شود، و هم از این جهت که برخی از این نوآوری‌ها ممکن است به افزایش بهره‌وری و کارایی بخش عمومی کمک کنند. سرمایه‌گذاری اخیر به ارزش ۴ میلیون پوند برای ایجاد یک مجموعه‌داده جهت آموزش سیستم‌های هوش مصنوعی که بتوانند تکالیف مدرسه‌ی کودکان را نمره‌دهی کنند - با این استدلال که مدارس می‌توانند از خدمات هوش مصنوعی تجاری برای کاهش هزینه‌های آموزشی و بهبود نگاه‌داشت معلمان استفاده کنند - نشان‌دهنده‌ی باور دولت به این نظریه است.

با این حال، پژوهش‌های مربوط به نگرش عمومی نشان‌دهنده‌ی نگرانی‌هایی درباره‌ی استفاده‌ی بخش خصوصی از داده‌های عمومی است که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را در سه دسته قرار داد:





یادداشت

حریم خصوصی: نگرانی درباره‌ی افتادن داده‌های شخصی به دست افراد یا نهادهای نامناسب، از جمله شرکت‌هایی مانند بیمه‌گرها، آژانس‌های اعتبارسنجی و کارفرمایان بالقوه که سپس از آن برای تعیین قیمت‌ها، محدود کردن دسترسی به خدمات، یا اتخاذ تصمیمات استخدام و اخراج بدون آگاهی یا رضایت فرد استفاده می‌کنند.

- اخلاق: نگرانی درباره‌ی استفاده از داده‌های عمومی به شیوه‌هایی که به‌نظر نمی‌رسد منفعت عمومی ایجاد کنند، یا حتی به‌طور فعال پیشرفت اجتماعی را تضعیف کنند، مانند حمایت از پژوهش‌های نژادپرستانه‌ی علمی (race science).

- بهره‌کشی: نگرانی از این‌که بخش خصوصی (به‌ویژه شرکت‌های مستقر خارج از بریتانیا) از داده‌های عمومی سودهای بیش‌ازحد یا ناعادلانه به دست آورد، بدون آن‌که بخشی از آن ارزش را به جامعه بازگرداند.

در حالی که نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی و اخلاق بیانگر نیاز به چارچوب‌های قوی حاکمیت داده هستند، نگرانی‌های مربوط به بهره‌کشی نیازمند یک چارچوب اشتراک‌گذاری ارزش است که تضمین کند جامعه در ازای فراهم کردن دسترسی به داده‌های عمومی، بازگشت عادلانه‌ای دریافت می‌کند.

رویکردهای اشتراک‌گذاری ارزش

رویکرد بارزتر برای واداشتن شرکت‌ها به بازگرداندن ارزش به بخش عمومی در ازای دسترسی به داده‌ها، دریافت هزینه از آن‌هاست. با این حال، رویکرد «پرداخت برای دسترسی» با چالش‌های متعددی روبه‌روست: تعیین قیمت مناسب دشوار است؛ این رویکرد موانعی برای دسترسی ایجاد می‌کند، به‌ویژه برای استارت‌آپ‌های کم‌سرمایه؛ و این تصور عمومی را ایجاد می‌کند که دولت مایل به فروش داده‌های مردم است و ممکن است وسوسه شود کنترل‌های حاکمیتی حافظ حریم خصوصی را در ازای دریافت پول سست کند.

آیا گزینه‌های دیگری هم وجود دارد؟

این خلاصه‌ی سیاستی، طیفی از رویکردهای دیگر را بررسی می‌کند و آن‌ها را بر اساس پنج هدفی که یک چارچوب اشتراک‌گذاری ارزش باید در حالت ایده‌آل محقق کند، ارزیابی می‌کند:

- تشویق استفاده از داده‌های عمومی، از جمله از طریق قابل‌فهم و قابل‌اجرا بودن آن برای سازمان‌ها.
- ایجاد بازگشت سرمایه برای بخش عمومی، به‌گونه‌ای که دست کم بخشی از هزینه‌های پشتیبانی از زیرساخت NDL جبران شود و هزینه‌های اداری به حداقل برسد.
- ترویج نوآوری و رشد اقتصادی عادلانه در بریتانیا، که ممکن است به‌ویژه به معنای تشویق کسب‌وکارهای کوچک‌تر و داخلی باشد.
- ایجاد ارزش اجتماعی، به‌ویژه در راستای سایر مأموریت‌های این دولت، مانند دستیابی به «صفر خالص کربن» (Net Zero) یا ایجاد فرصت برای همه.
- ایجاد اعتماد عمومی، از طریق قابل‌توضیح بودن آسان، پرهیز از انگیزه‌های نادرست که موجب زیر پا گذاشتن موانع حاکمیتی می‌شوند، و احساس یک مبادله‌ی عادلانه.

به‌طور خلاصه، گزینه‌های جایگزین مدل پرداخت-برای-دسترسی که همچنان بازده مالی مستقیم فراهم می‌کنند عبارت‌اند از:





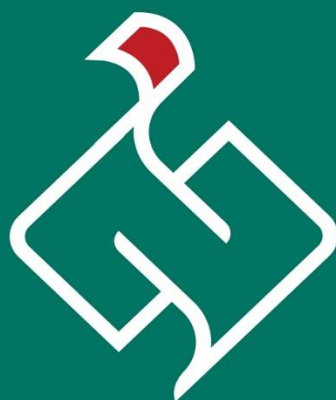
- تخفیف‌ها: بخش عمومی می‌تواند برای محصولات و خدماتی که با استفاده از داده‌های عمومی ساخته شده‌اند، تخفیف بگیرد. با این حال، اجرا و پایش این روش می‌تواند دشوار باشد.
- حق امتیاز (رویالتی): دریافت درصدی از هزینه‌های محصولات و خدماتی که با داده‌های عمومی ساخته شده‌اند نیز می‌تواند به همان اندازه دشوار باشد، اما شامل شرکت‌های بیشتری می‌شود.
- سهام: گرفتن سهام در استارت‌آپ‌ها می‌تواند بازده بلندمدت ایجاد کند و با اهداف سرمایه‌گذاری عمومی هم‌راستا باشد.
- عوارض: مالیات‌های هدفمند بر کسب‌وکارهایی که از داده‌های عمومی استفاده می‌کنند می‌تواند درآمد قابل‌پیش‌بینی ایجاد کند و استفاده از داده را تشویق کند.
- مالیات عمومی: مالیات عمومی می‌تواند زیرساخت داده را تأمین مالی کند، اما ممکن است فاقد رویکرد هدفمند و شفافیت عمومی سایر روش‌ها باشد.

نتیجه‌گیری

اشتراک‌گذاری داده‌های عمومی با بخش خصوصی باید به نفع عموم مردم باشد، و باید با دیدی گسترده به این موضوع نگاه کنیم که این کار می‌تواند چه شکلی داشته باشد، زیرا سازوکارهای احتمالی دیگری غیر از دریافت هزینه برای دسترسی نیز وجود دارد. یافتن تعادل درست در یک چارچوب مبادله‌ی ارزش، حیاتی است: این چارچوب باید شفاف و قابل‌فهم باشد، اما نه آن‌قدر مستقیم که انگیزه‌ی اشتراک‌گذاری بیش‌ازحد را ایجاد کند و شک‌و‌شبهه درباره‌ی زیر پا گذاشتن کنترل‌های حاکمیتی را برانگیزد. رویکردهای متفاوت برای انواع مختلف داده، و سازمان‌هایی با توانمندی‌ها و بلوغ متفاوت، مناسب‌اند.

همه‌ی این‌ها به این معناست که چارچوب مبادله‌ی ارزش NDL باید انعطاف‌پذیر و متناسب‌سازی‌شده باشد، اما دارندگان داده‌های بخش عمومی را از رویکردهای ضدتولیدی دور نگه دارد. در نهایت، موفقیت کتابخانه‌ی ملی داده – دست‌کم از نظر پذیرش عمومی – به ارتباطات زود هنگام و مؤثر، و به پاسخگویی و نظارت عمومی قوی بستگی خواهد داشت. در کنار کنترل‌های حاکمیتی خوب، نشان دادن این‌که چگونه دسترسی بخش خصوصی به داده‌های عمومی به ارزش عمومی تبدیل می‌شود، برای پرهیز از واکنش‌های منفی و ایجاد اعتماد نسبت به نحوه‌ی اشتراک‌گذاری داده توسط دولت، ضروری است.





انديشكده فرهنگ و توسعه

 WWW.CDSTT.IR

 [CDSTT.IR](https://www.instagram.com/cdstt.ir)

 [CDSTT](https://twitter.com/cdstt)